بجماعت کند فریضه ادا / حکم او میکند چون صحرا
وین یک صف که او صف قدا کرد / قدر یک صف که او صف قدا کرد
غیر جایز نوشته اند سلف / اقتدا یک کرده است آن صف
شیخ صدر مسجد رشد است / در در مسجد است اگر در نماز
اقتدا با امام در مسجد / نبود اشتباه حال امام
شرح او داد اقتدا آن / گفت نه قوام درست بدان
نبود باب هم نماز تمام / نشود اشتباه حال امام
حال او اشتباه شد بر این / اقتدا با دست بالتیمن
در کتاب علامه آورده / در امامت چنین بیان کرده
خارج مسجد ولی باشد / لیک با مسجد است او پیوست
چیستی از همان دکان مرد / اقتدا با امام خود بر کرد
شرط واقع اتصال صفوف / تحصیل نبوده اقتدا قوف
گفت تکبیر مقتدی با امام / هشتر از امام گردد تمام
گفت او صف سخن ناف / در صحیح عند هست شارع
مقتدی در رکوع با وقت / گفت تکبیر اگر ثابت
از فتاوی خانیه شد یاد / آن شروعش بجا نیز داد
چونکه تکبیر اولین ای خیر / که خلش بود دقیق نه خیر
گفت در آخر سلام امام / بود جایز اقتدا الکیل
ایک السلام شد پیوند / هم علیکم نگفت آنهنگام
لیک بهر سجود سهو سلام / داده است اقتدا او را تمام
عدم سلام با لسان / نیک فصل مقتدیست نماز
شود از بنده حکم آن / هر جایی مقیم باشد مرد
گفته بود و نگفتم اینجا باز / اقتدا بر کسی مسافر کرد
دور دیگر کند مقیم تمام / از دو رکعت خوانده داد نگاه
باقی مانده نماز خود را آن / فی الاصح در دو در اخر نماز
مثل مسبوق او اگر و چون / بی قرائت او اش باید کرد
این سخن در هدایه می آرد / تیز کافی دلیلها دارد
گفت چون اول نماز آن / در بیان مسافر آورده است
پس سبب اقتدا کرده است / اندرین دو لاحق آن
اهل قصور حرام گفت بطل / پس قرائت بلا خطا کردند
قول بعض است مثل مسبوق او / گویا در پس امام است آن
حرف او از پس سبب بیدان / پس

پس قرائت چو در آن دو / بجده نه گفت لازم پس
مثل مسبوق از این سبب باشد / پس قرائت باو اوب باشد
چونکه فرض قرائت ای اعلا / گشت او در دو رکعت اول
حکم شد پس حرمت و ادب / احتیاط این بود نکردن خوب
بشنو اکنون روایتی غریب / شرح او لو کفت و تیر غریب
بقیمین مسافرین آدم / بوده باشد کسی مسافر امام
کرد او سلام خوانده دو / خبر بارگت سیم گر او
انچه خلق مسافرند تمام / گفت سازد قرائت با امام
لیک قوم مقیم بلا شبهت / نکند با امام تبعیت
نکند نیت اقامت اگر / شفع ثانی اگر بخواند او
گشت در دو ادا نماز بمو / در حق او بیت ناظر بیند
در پس نا فرو گذارنده / اقتدا کرد فرض خوانده
بود جایز اقتدای آن / می نشد نماز سبب آن
شفع ثانی گرفته را دارند / گفت بعد از سلام در این
کرده ام نیت اقامت من / خسته لاحق نه بگذارند
چونکه اینجا سفر بود و یقین / ماند دایم نیت آن یک
شک بود نیت ای ست آن / حکم ثابت نمیشود و شک
گر بنشیند بخسته است امام / سازند اینقوم خود نماز تمام
بمقیم اقتدا مسافر کرد / چار خواند بیت بخت امرد
دوی او بلت ابوت شد جدا / قطع در دو نمیکند این یار
گوش کن در صلوة مسعود / قولهای عجیب فرمود
وقت اگر بیت صحت است امرد / بمقیم اقتدا مسافر کرد
بل بعد از خروج نیت روا / چونکه قعده اولین اینجا
واجب است بر امام بر این فرض / زین سبب جواز کرده عرض
چار رکعت نماز فرض را / شفع اول مقیم کرد ادا
در دوی آخر از مسافر خود / اقتدا کرد غیر جایز کرد
چونکه در شفع ثانی آید سر / فاسد شد مقیم را ادب
در دو رکعت بین تنی خود / فرض است از کلام حق خواندن
از قرائت باز مقیم است / مانع اقتدا از این سبب است
اقتدا کرد مقتدی بنده / بیت جایز بفضل خوانده
گر قرائت در اولین آن / ترک کشته است از مقیم آن

Copyright © King Saud University